



مفهوم شناسی بحران امنیت اجتماعی با تأکید بر مکتب کپنهاگ

علی پورخزایی^۱ سجاد بازوند^۲

چکیده:

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی تحلیلی به روش کتابخانه‌ای به بررسی مفهوم بحران امنیت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ می‌پردازد. امنیت اجتماعی در سطح جوامع ناشی از استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی چون (فرایند اجتماعی شدن، نظم، وفاق و همکاری اجتماعی و...) به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت‌ها اجتماعی زندگی سطح ارتقاء و می‌پردازد. از نظر ماهوی امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است. امنیت در سطوح (منفعل - فعال - فرافعال) به حفظ تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. امنیت اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. در سطح جامعه هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط‌های اجتماعی بالاتر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر خواهد شد. امنیت اجتماعی در سطح خانواده به معنای رفع تهدیدهای اجتماعی و بهره‌مندی از فرصت‌های اجتماعی خانواده تعریف می‌گردد. امنیت اجتماعی با گسترش شهرنشینی و بروز آسیب‌های اجتماعی در سطح محلات از جمله مباحثی است که مدیریت شهری می‌تواند، در جهت تقویت سرمایه‌های اجتماعی شهروندان گام‌هایی مؤثری بردارد. امنیت اجتماعی پاسداری از هویت‌های اجتماعی است؛ بر این اساس جامعه از طریق گسترش فضای اجتماعی و از بین رفتن موانع و محدودیت‌های اجتماعی برای گروه‌های قومی و اجتماعی به دنبال

۱- مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - دانشکده امنیت -

۰۹۱۲۶۷۸۶۱۱۸۴-Gmail:ali.porkhazai@gmail.com

۲- مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)





حفظ الگوهای هویتی خواهد بود.. مکتب کپنهاک برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر می پردازد به نظر می رسد مفهوم شناسی بحران امنیتی اجتماعی مبتنی بر مکاتب امنیتی، می تواند در این رابطه راهگشا باشد. برای این منظور ابتدا به موضوع بحران پرداخته شده است و سپس به مکتب کپنهاک به عنوان چهارچوبی برای تبیین مفهوم امنیت اجتماعی اشاره گردیده است.



کلیدواژه ها: بحران - امنیت اجتماعی - مکتب کپنهاک

مقدمه:

یکی از مفاهیمی که وجود نداشتنش می‌تواند باعث بروز احساس بحرانی بودن اوضاع شود، مفهوم امنیت است. امنیت، جایگاه بالایی در هرم نیازهای بشری داشته و از طرفی ماهیتی بین ذهنی دارد، از این رو فقدان و یا لطمه خوردن آن می‌تواند به سرعت از طریق افراد، سازمان‌ها و جوامع احساس شود؛ اما آیا به هم خوردن هر سطحی از امنیت را می‌توان بحران امنیتی دانست؟ اصولاً به دلیل ماهیت مفهوم و موضوعات امنیتی، بحران امنیتی نیز با نوعی ابهام در تعریف و مصداق روبرو است. در این تحقیق تلاش شده است با استفاده از آموزه‌های مکتب کپنهاگ نگاهی هستی‌شناسانه به مفهوم امنیت اجتماعی داشته باشیم. اینکه مفهوم بحران امنیتی چیست و چه ابعادی برای آن متصور است.

برای اینکه بین ذهنیت‌ها و واقعیت‌ها پلی زده بشود، نیازمند تعریف شرایط بحرانی در زمینه‌های مختلف هستیم چراکه حتی صرف استفاده واژه بحران در برخی از مواضع و مواقع می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد. اگر در یک جامعه قطع چندساعته برق در یک منطقه از یک شهر را بحران تلقی کنیم، اثر چنین تفکری می‌تواند باعث ایجاد ناامنی در ذهن مخاطبان شود. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که بحران چیست؟ بحران در تعامل با سایر مفاهیم چگونه معنا می‌شود؟ آیا وقوع یک حادثه ناگوار در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای را می‌توان بحران تلقی کرد؟ چه شاخص‌هایی برای تبدیل یک وضعیت به بحران باید مورد توجه قرار گیرد؟ پاسخ به سؤالات فوق می‌تواند برای تبیین انواع بحران‌ها راهگشا باشد. یکی از مهم‌ترین بحران‌ها بحران اجتماعی است که تأثیر آن بر روی جوامع، گروه‌ها و افراد می‌باشد در این تحقیق به بررسی بحران امنیت اجتماعی بر اساس مکتب کپنهاگ می‌پردازد.

بیان مسئله:

یکی از دشواری‌های بحث درباره معنای امنیت اجتماعی مرزهای نامعلوم آن با مفاهیم مشابهی چون: امنیت جمعی^۱، تأمین اجتماعی^۲، امنیت عمومی^۳، امنیت ملی^۴ و امنیت انسانی^۵ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۵۵)

۱ - Collective Security

۲ - Social Security

۳ - Public Security

۴ - National Security

۵ - Human Security



امنیت اجتماعی به معنای «اطمینان خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به تضمین سلامت و هویت خود در قبال مجموعه تحرکات عمدی و تحولات عادی» است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) ناامنی اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که جوامع دارای هر نوع هویتی، با تهدیدی برای بقای خود به‌عنوان یک جامعه روبرو باشند. (Waever, ۲۰۰۸: ۵۸۲).

امنیت اجتماعی مؤثرترین و حیاتی‌ترین پیوند را با امنیت ملی یافته است. این پیوند در پاره‌ای وجوه قهری و در بعضی موارد اختیاری بوده است. در تعاریف موسع از امنیت ملی، به‌ویژه در استانداردهای امنیت ملی پایدار، امنیت ملی مدیون انسجام جامعه‌ای و انسجام جامعه‌ای محصول مملکت‌داری یا حکومت خوب^۱ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶)

امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی یا واقعی مربوط می‌شود. به‌طور اخص، امنیت اجتماعی به تداوم - البته - در محدوده شرایط قابل قبول برای تحول - الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی ارتباط دارد. این تعریف ارائه هرگونه تعریف عینی برای این که چه زمان برای امنیت اجتماعی تهدیدی به وجود می‌آید را دشوار می‌سازد. امنیت اجتماعی ناظر به اوضاع و شرایطی است که جوامع به لحاظ هویتی تهدیدی را درک و مشاهده می‌نمایند. (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۶۶)؛ بنابراین تهدیدات اجتماعی از سطح محلات و استان و کشور فراتر رفته است یعنی می‌توان گفت که تهدیدات اجتماعی از سطح ملی به فراملی تبدیل شده است و در این مقاله به تبیین بحران امنیت اجتماعی بر اساس مکتب کپنهاگ می‌پردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

امنیت یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است که معمولاً انسان‌ها از آن غافلند مگر در مواردی که این امنیت به خطر بیفتد یا یک بحران باعث از بین رفتن آن شود مانند هم‌اکنون که یک بیماری ویروسی به نام کرونا در بهمن ۹۸ که امنیت روانی و اجتماعی را به خطر انداخته است اهمیت موضوع امنیت برای تمامی انسان‌ها مشخص است و این موضوع برای این است که مخاطبین را با مکتب کپنهاک که برخلاف دیدگاه مضیق به امنیت که به امنیت نظامی تأکید دارد. دیدگاهی موسع به امنیت دارد آشنا نماید، از همین رو، بر سایر ابعاد امنیت به‌ویژه امنیت اجتماعی که در صورت وجود بحران اجتماعی خسارت‌های غیرقابل جبرانی پیش خواهد آمد در این مقاله به بررسی یکی از ابعاد دیگر امنیت، که امنیت اجتماعی می‌باشد پرداخته است

^۱ - Good Governance



اهداف تحقیق:

الف) هدف اصلی:

مفهوم شناسی بحران امنیتی اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ

سؤالات تحقیق:

الف) سؤال اصلی:

مفهوم شناسی بحران امنیتی اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ چگونه است؟

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی تحلیلی به روش کتابخانه‌ای به بررسی مفهوم بحران امنیت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ می‌پردازد.

چهارچوب نظری تحقیق:

پیشینه تحقیق

اسماعیل‌زاده - احمدی فشارکی ۱۳۹۵ (مقاله داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ) این مقاله می‌کوشد تا تأثیر یکی از خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات امنیتی بین‌الملل یعنی داعش بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را تحلیل نماید تحلیل داده‌های موجود نمایانگر آن است که حضور و نفوذ داعش در منطقه از نظر امنیتی به مثابه شمشیر دو لبه برای امنیت ایران عمل می‌کند در این مقاله می‌کوشد با روش پژوهش تبیینی ای با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای تهدید داعش و بر امنیت ایران واکاوی نماید. مبینی، کشه زهرا، یزدانی عنایت‌الله، امیدی علی ۱۳۹۷ (مقاله سازشگری جهانی و امنیت بین‌الملل بر اساس مکتب کپنهاگ) در این مقاله بتاز شگری بین‌المللی به عنوان یک ورودی آشوب ساز یکی از مهم‌ترین عوامل در بی‌ثباتی نظام بین‌الملل و برجسته‌ترین مسئله امنیتی در قرن بیست و یکم می‌پردازد به مثابه یک پدیده بین‌المللی تهدید جدی برای امنیت ملی بشری منطقه‌ای و جهانی است و امروزه هیچ کشوری از حملات تازگی و پیامبران معصوم نیست تحلیل مسائل مربوط به تازه‌های بین‌المللی امنیت با استناد به نظریات روابط بین‌الملل نقش مهمی در درک چالش‌های تازگی دارد.

مرادی اسدالله شهرام نیا امیر مسعود ۱۳۹۴ مقاله‌ای به عنوان بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دادند در این مقاله با توجه به جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پی پاسخگویی به این





پرسش است که بحران سوریه چه تأثیری بر امنیت منطقه ایران خواهد گذاشت در مقام پاسخ به پشت یادشده فرضیه پژوهش این است که بحران سوریه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک استراتژیک این کشور و جایگاه آن در حلقه اصلی محور مقاومت می‌تواند باعث تضعیف ضریب امنیت منطقه‌ای ایران گردد هدف اصلی نوشتار حاضر تجزیه و تحلیل امنیت منطقه‌ای ایران در پرتو تحولات سوریه است

مبانی نظری

برای بررسی و تحلیل مطالب در قالب موضوع امنیت و ابعاد مختلف آن، رهیافت‌ها و مکاتب مختلفی ازجمله مطالعات امنیتی رئالیستی، لیبرالیستی، سازه انگاران، فرا ساختارگرایان، انتقادی و ... وجود دارد که محققان می‌توانند مسائل را در چارچوب آن‌ها مورد بررسی قرار دهند. در این تحقیق بحران اجتماعی در چارچوب مکتب کپنهاگ بررسی خواهد شد.

نگاهی به معنا و مفهوم امنیت و امنیت اجتماعی

امنیت را می‌توان ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی انسان‌ها، توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی، برخورداری از کلیه‌ی حقوق و آزادی‌های قانونی دانست و از سوی دیگر، می‌توان به معنای وجود آسایش و ثبات اقتصادی و اجتماعی و داشتن تصور ذهنی روشن از پدیده‌های یادشده، در اذهان مردم، تلقی کرد (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۰)؛ بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از تشویش، اضطراب، نا اطمینانی و مخاطرات است. با این تعریف، بخشی اعظم رفتارهای فردی، گروهی و اجتماعی؛ صبغه‌ای امنیتی (Security)، پیدا می‌کند، چون هیچ رفتاری فارغ از مخاطره و قدری تشویش نیست و اطمینان مطلق، نه میسر است، چون رفتار و اراده انسان‌ها، قابل کنترل کامل نیست و نه مطلوب، چراکه اطمینان و امنیت مطلق، پویایی را از جامعه گرفته و علم و تحقیق را تعطیل می‌نماید (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۱۵). با توجه به این اوصاف، شاید یکی از کامل‌ترین تعاریف، همانا تعریف ذیل باشد:

«امنیت به‌طور کلی یعنی تداوم اموری مانند سلامت جسم و فکر و روح، همبستگی خانواده، جریان سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی و جریان مصرف معقول. همچنین انتظارات افراد جامعه از تداوم آتی این امور به سمت بهتر شدن؛ به‌گونه‌ای که موقعیت موجود و بهبود این امور، از تعرض و گزند عوامل مخرب مختلف در امان باشند» (متقی،





۱۳۷۷: ۲۵). «درهرحال، سطح «امنیت کشور» از امنیت فردی^۱ تا امنیت دولتی^۲ گسترده شده است. در فضای میان امنیت فردی و امنیت دولتی، ابعاد مختلف امنیت جامعه نظیر امنیت اقتصادی^۳، امنیت اجتماعی^۴، امنیت فرهنگی^۵، ... قرار دارد. از برآیند تأثیرگذاری هر یک از این ابعاد بر یکدیگر، ملاحظات کلان امنیت داخلی کشور ترسیم می‌گردد. مطمئناً پیگیری این ملاحظات، بدون تأثیر و تأثرات محیطی امکان‌پذیر نیست، چراکه هیچ کشوری در خلأ زندگی نمی‌کند» (ولی پور زرومی، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

امنیت به‌طور کلی و ساختاری و از جهت ابزار ایجاد آن، به دو نوع تقسیم می‌گردد: اول، «امنیت فردی» و دوم، «امنیت اجتماعی» (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶).

«امنیت فردی»، محصول و برآیندی از امنیت در مال، جان، فکر و عاطفه‌ی افراد است که از دیرباز مدنظر انسان بوده است. در امنیت فردی، توانایی و انسجام شخصیتی؛ شانس افراد را در مقابله با تهدیدات درون و برون شخصیتی آن‌ها افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، منظور از امنیت فردی به معنی اخص کلمه، این است که:

«فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند: قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر مجازات‌های غیرقانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافعی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند: اسارت، تملک و بهره‌کشی و بردگی و فحشا و غیره، مصون و در امان باشد» (طباطبایی مؤتمنی، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، بی‌تا، ص ۴۲). با توجه به تعریف فوق، حال باید «امنیت اجتماعی» را مورد تبیین و بررسی قرارداد. امنیت اجتماعی، همان امنیت مشترک و در کنار هم زیستن است. امنیت اجتماعی یا نظم عمومی، شامل آسایش عمومی، امنیت عمومی و بهداشت عمومی می‌شود که آسیب به هرکدام از آن‌ها، باعث جریحه‌دار شدن وجدان اجتماعی می‌شود. از این‌رو، برای تبیین امنیت اجتماعی لازم است که قبل از هر سخنی، ابتدا این فرض را در تعریف جامعه، اختیار کنیم که:

«جامعه، یک «نظام اجتماعی» است. نظامی متشکل از «اجزاء» یا «خرده نظام‌های» مختلف که با یکدیگر در ارتباط‌تند. علاوه بر این، نظام اجتماعی (جامعه) با محیط بیرون خود (سایر جوامع) نیز رابطه دارد. در این معنا، امنیت اجتماعی را می‌توان خرده

^۱. Individual security

^۲. State security

^۳. Economic security

^۴. Social security

^۵. Culturally security





نظام‌های درونی جامعه و امنیت نظام برونی جامعه دانست» (لرنی، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴).

بر این اساس، می‌توان چنین گفت که امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ و تداوم هویت خود در شرایط بحرانی و یا در مقابله با تهدیدات واقعی و بالقوه اشاره دارد. امنیت اجتماعی، درواقع ما را به حوزه‌ی اجتماع و ابعاد گوناگون شکل‌دهنده‌ی «هویت» آن و نیز عوامل تهدیدکننده‌ی این هویت رهنمون می‌سازد. این مفهوم همچنین دارای توان بالقوه‌ای جهت خروج از نگرش صرفاً آماری و کمی به امنیت است. ازاین‌جهت، مرجع امنیت اجتماعی؛ «جامعه» است و لازمه‌ی بقای جامعه نیز، توجه به مفهوم «هویت» می‌باشد. بر این مبنا، هر جامعه دارای هویت ویژه‌ای است که بر آن اساس، دارای تصور ویژه‌ای از خود می‌باشد و افراد آن جامعه هم خود را به‌عنوان اعضای یک جامعه‌ی خاص، می‌شناسند. با عنایت به همین تبیین جدید از مفهوم امنیت اجتماعی، حال شاید بهتر بتوان امنیت، اجتماعی را تعریف کرد. ازاین‌رو، می‌گوییم که:

«امنیت اجتماعی» یعنی آرامش و آسودگی خاطری که جامعه برای اعضای خود، ایجاد می‌کند. یکی از خصایص اصلی این نوع امنیت، آن است که «جامعه»، مسئول به وجود آوردن آن است. به‌عبارت‌دیگر باید بگوییم که یکی از وظایف و اهداف جامعه، همانا برقراری امنیت است. امنیت اجتماعی، به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند. این قلمروها می‌توانند قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی و کار و پیشه (شغل افراد) باشند. به‌عبارت‌دیگر امنیت اجتماعی بر اساس حفظ جان، مال، آبرو و حیثیت افراد جامعه استوار است و در صورتی که این محورها، خدشه‌دار شوند؛ امنیت اجتماعی، متزلزل خواهد شد» (لرنی، ۱۳۸۳: ۳۵).

آنچه ناگفته پیداست اینکه امروزه به هیچ رو نمی‌توان امنیت فردی و امنیت اجتماعی را از هم مجزا کرد. به‌عبارت‌دیگر، نباید چنین تصور کرد که اقسام مختلف امنیت فردی و امنیت اجتماعی، هرکدام دارای مؤلفه‌های مشخص و غیرقابل اشتراکی هستند بلکه باید گفت که همه‌ی به‌نوعی با یکدیگر در ارتباط‌اند و حتی در تعریف و تبیین آن‌ها نیز نقطه‌ی اشتراکی وجود دارد. چنان‌که از رویکرد جامعه‌شناسی امنیت، توان یک جمع خاص برای دفاع از ویژگی‌های اساسی اعضای خود در مقابل تهدیدات واقعی یا فرضی، «امنیت اجتماعی» تلقی می‌گردد. امنیتی که در برخی موارد، تبدیل به «هویت ملی» و درنهایت «امنیت ملی» می‌شود. بر این مبنا، امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می‌سازد.

«به‌عنوان نمونه اگر زنجیره‌ی اتصال اقلیتی، ملیت آن‌هاست، امنیت اجتماعی آن‌ها



عبارت است از رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که به ویژگی خاص آن‌ها مربوط است. امروزه با توجه به تعامل ملت‌ها و رنگ باختن مرزهای پیشین، امنیت اجتماعی از اعتباری قابل توجه برخوردار است... بنابراین در باب معنا و تعریف امنیت اجتماعی می‌توان اذعان داشت که امنیت اجتماعی اولاً بر ساخته‌ی فضایی اجتماعی است یعنی در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد. ثانیاً امنیت در عبارت امنیت اجتماعی، متغیری مستقل است چون پاسداشت ارزش‌های خاص صاحبان یک هویت خاص در حکم فلسفه‌ی وجودی آن‌هاست. ثالثاً امنیت اجتماعی به لحاظ معنای نه به سطح امنیت فرد، تنها مربوط است و نه به امنیت ملی، بلکه امنیت اجتماعی عبارت است از رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی در قالب یک گروه اجتماعی نظیر خانواده یا یک مجمع قومی، مذهبی و غیره. چون هویت افراد آن گروه به وسیله‌ی عضویتشان در یک جمع تعریف می‌شود... نکته نهایی اینکه امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آن‌ها به مثابه‌ی برای اطمینان بخشی و اعتمادسازی است. بر این اساس، امنیت اجتماعی جزء بنیادی زندگی امروزی است...» (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۶).

اما به رغم اهمیت امنیت فردی و به ویژه امنیت اجتماعی، امروزه ناهمگنی‌های ناشی از عوامل درون دستگاهی و نیز عوامل برون دستگاهی جوامع، نظم و امنیت اجتماعی و به تبع امنیت فردی یا شخصی را به شدت مورد تهدید قرار می‌دهند. تعصبات قومی و ملی، منازعات مرزی و گسیختگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، از جمله عوامل درون دستگاهی به شمار می‌روند. ولی بی‌تردید مهم‌تر از این‌گونه موارد، با به عوامل برون سیستمی اشاره کرد که ناشی از مداخله‌ی بیگانگان در امور اجتماعی یک نظام است. از این رو شایسته است که مسئولان امنیتی هر کشور، بدون تشنج‌زدایی، وارد عمل شوند و در خصوص بهبود روابط اجتماعی بکوشند. پرهیز از بحران‌سازی در خارج از مرزها و ترجیح مصالح امنیتی جامعه از طریق هماهنگ ساختن سیاست‌های خاص خود و تأکید بر همکاری و نه ستیزه‌جویی، همه و همه می‌توانند راهکارهایی مؤثر برای ارتقای نظم و امنیت اجتماعی و امنیت فردی باشند بر همین اساس، جامعه‌شناسی امنیت در مبحث کارکردهای امنیتی خود، بر ارتقای امنیت فردی و امنیت اجتماعی، تأکید بسیار می‌ورزد.

بحران:

بحران از لحاظ لغوی به معنای بحران به مفهوم آشفتگی (عمید، ۱۳۸۸: ۲۷۲) و تغییر حالت و از نظر امنیتی به معنی ستیزش و جنگ ادراکی است. به طور کلی بحران تعریف





واحد و مشخصی ندارد. اندیشمندان این حوزه با رویکردهایی متفاوت به تعریف بحران پرداخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

✓ بحران بنا به اعتبار مفهوم کلمه، به مرحله پیچیده‌ای که یک کار و یک رویداد از آن عبور می‌کند و خارج شدن از آن مشکل است، اطلاق می‌شود (امیرکبیری، ۱۳۷۶: ۳۱).
 ✓ بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده و پیش‌زمینه تلاقی زمینه‌هایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را پدید می‌آورند (کلاهیچیان، ۱۳۸۳: ۲۸۹).

✓ بحران به معنای بروز خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. (Crandal: ۲۰۰۲: ۱۸)

✓ بحران شرایطی خارج از وضعیت عادی است که الگوهای مدیریتی متداول به هنگام اوج آن کارایی خود را از دست می‌دهند. مدیریت این وضعیت به دلیل محدودیت ناشی از فشار زمانی، کنترل. (Burnett: ۱۹۹۸: ۴۷۶)

✓ آنچه «در اثر وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه و یا اتفاقی به وجود می‌آید که توجه فوری به‌منظور اخذ تصمیم فوری ضروری است» بحران نامیده می‌شود.

✓ «ایگور انسف^۱» می‌گوید: سازمان را هنگامی باید با بحران روبرو دانست که در اثر تغییر و تحولات، بقاء و حیات آن به مخاطره افتد.

✓ «مینتز برگ^۲» معتقد است بحران در اثر وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه و یا اتفاقی به وجود می‌آید که توجه فوری به آن برای اخذ تصمیم فوری، ضروری است.

✓ بحران، وقوع رویدادی است که روال عادی کار و چرخش زندگی را در یک سازمان و یا محیط مختل ساخته و رسیدگی به آن در اولویت سایر اقدامات مسئولین قرار می‌گیرد. بحران را می‌توان وضعیتی دانست که از قبل حدس و انتظاری برای وقوع آن نبوده و در یک پروسه زمانی سریع، پاسخی فوری لازم دارد، زمان برای مقابله با آن بسیار کم بوده و می‌تواند ارزش‌های نظام را تهدید نماید.

✓ بحران را می‌توان حاکمیت موقعیت عدم اطمینان بر محیط داخلی و خارجی سازمان دانست و در سطح کلان، مجموعه عواملی که حکومت را در یکی از ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی دچار آشفتگی نموده و امنیت ملی کشور را دچار مخاطره سازد را بحران گویند. (همان: ۱۵۳-۱۵۱)

^۱ - Ansoff

^۲- Mintzber



به‌طور کلی ویژگی‌های بحران با توجه به تعریف‌های پیش‌گفته را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- مرحله‌ای پیچیده، دارای شرایط جدید و ناشناخته
 - ۲- شرایط خارج از وضعیت عادی
 - ۳- مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاصی
 - ۴- بروز خطر در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
 - ۵- به خطر انداختن بقا و حیات سازمان
 - ۶- شرایطی که امنیت ملی کشور را دچار مخاطره می‌نماید.
- بحران، به‌طور مشخص پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات علوم سیاسی جایگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف توسعه «فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» به تشریح شرایط حاکم بر جامعه و علل بروز بحران پرداختند. (دبلیوپای، ۱۳۸۰: ۱۳)
- «مکتب کپنهاگ^۱» تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی می‌باشد و همچنین جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است.
- مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی^۲ برای آثار و نقطه نظرات باری بوزان^۳، ال ویور^۴، دو ویلد^۵ و برخی دیگر به‌کاربرده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۴)
- مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ (COPRI)^۶ که مکتب کپنهاگ یکی از شاخه‌های فکری آن به شماره می‌آید، توسط مجلس دانمارک و در سال ۱۹۸۵ تأسیس گردید. مأموریت اولیه این مؤسسه، تحقیق و پژوهش در زمینه ریشه‌های جنگ و شیوه‌های برقراری صلح در جامعه بشری با تمرکز بر مسائل اروپا بود؛ اما با بسط حوزه پژوهشی این مؤسسه رفته‌رفته موضوعات کاری و گستره پژوهش‌های آن نیز گسترش یافت. مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ ابتدا یک مؤسسه غیردولتی (NGO) بود که بودجه پژوهشی خود را با استفاده از اعانه بنیادهای خیریه و فروش محصولات پژوهشی تأمین می‌کرد، اما از سال ۱۹۹۶، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانمارک نسبت به تأمین

۱ - Copenhagen School

۲ - Bill Mc Sweeney

۳ - Barry Buzan

۴ - Ole waever

۵ - De Wild

۶ - Copenhagen Peace Research Institute





بودجه آن اقدام و در مقابل، برخی پروژه‌های تحقیقاتی را به پژوهشگران آن مؤسسه واگذار نمود. در یازدهم ژوئن سال ۲۰۰۱، پادشاه دانمارک - به واسطه نتایج درخشان مطالعاتی این مؤسسه - فرمان الحاق این مؤسسه به وزارت امور خارجه را صادر نمود. همان‌گونه که گفته شد، مؤسسه تحقیقات صلح دانمارک فعالیت خود را در زمینه مسائلی چون امنیت بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای، مسئله هویت، مهاجرت، پناهندگی، امنیت جامعه‌ای و مطالعات موردی (بالکان، چین، فلسطین و ...) شروع کرد و برای مدت دو دهه، کارهای مهمی در باب خاستگاه غیرنظامی امنیت ملی و بین‌المللی منتشر ساخت. برخی محققان، اندیشه‌های ارائه‌شده از سوی اعضای مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ را دسته‌بندی و عنوان «مکتب کپنهاگ» به آن داده‌اند. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۳۱). نظریه‌پردازان این مکتب کتاب‌ها و مقالات بسیاری را برای تشریح دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خویش تدوین نموده‌اند که کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۱، «امنیت چارچوبی جدید برای تحلیل»^۲، «امنیت ساختن و ناامنی»^۳ از جمله مهم‌ترین این موارد است. در همین خصوص کن بوث^۴، کتاب مردم، دولت‌ها و هراس اثر بوزان را به‌عنوان جامع‌ترین تحلیل نظری در مورد مفهوم امنیت در ادبیات روابط بین‌المللی می‌داند.

امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ

بر اساس دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت به بقا^۵ بازمی‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی (وجودی) برای یک موجود جلوه کند. مفهوم تهدید وجودی^۶، ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع موردنظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال و یا آسیب جدی روبرو می‌سازد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجه می‌سازد. استناد به امنیت، کلید مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور است. (بوزان؛ ویور؛ دوویل، ۱۳۸۶: ۴۶). مکتب کپنهاگ مخالف دیدگاهی است که هسته مطالعات امنیتی را جنگ و زور می‌داند یا پدیده‌ها و موضوعاتی را مطالعه می‌کند که دارای ویژگی‌های نزدیک و معناداری با جنگ و زور باشد. بوزان و همکاران به دنبال آن هستند تا دیدگاه رادیکال‌تری از مطالعات امنیتی را

۱ - "People, States and Fear"

۲ - "Security: Anew Framework for Analysis"

۳ - "Securitization and De Securitization"

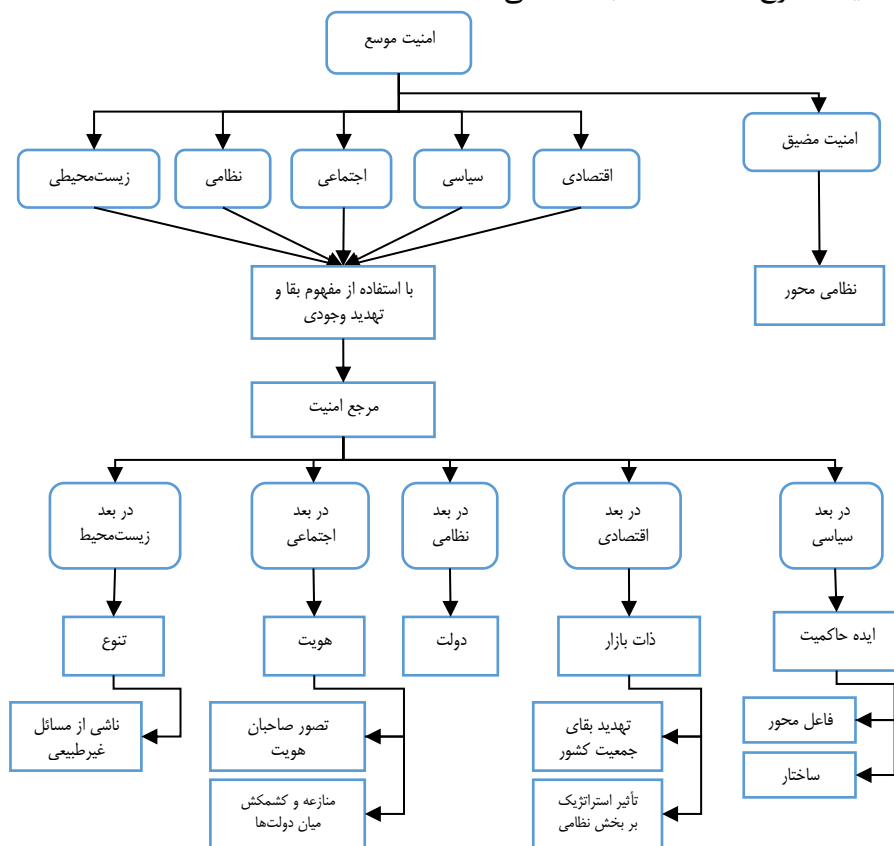
۴ - Ken Booth

۵ - Survival

۶ - Existential Threat



با بررسی تهدیدات تحمیل شده به اهداف مرجع و امنیتی کردن آن تهدیدات مطرح نمایند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۱) این مکتب، امنیت را از جنبه های گوناگون مورد مطالعه قرار داده، اما در برخی جنبه ها بیشتر متمرکز شده و بعضاً مبتکر و طراح آن نیز بوده است. طرح موسع در برابر مضیق^۱ یکی از این موارد است که به منظور توسعه ابعاد امنیت مطرح شده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۳)



امنیت موسع از دیدگاه مکتب کپنهاگ (مرادیان، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۵)

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بود و تمرکز بر بعد نظامی امنیت تأثیر عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشته بود، به طوری که مطالعات امنیتی عمدتاً به مطالعه جنگ، آن هم در حوزه مطالعات استراتژیک تبدیل شده بود. این وضع تا اواخر دهه ۱۹۷۰ رویکرد مسلط در مطالعات استراتژیک و امنیتی بود؛ اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این رویکرد مورد چالش قرار گرفت.

^۱ - Wide Versus Narrow





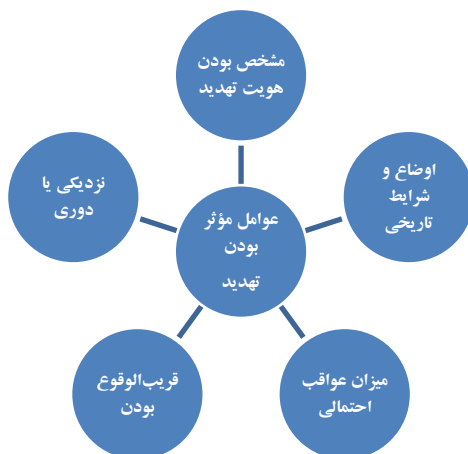
این نقدها ابتدا توسط ریچارد «اولمان» و سپس «هافندورن» و در ادامه توسط «دیوید بالدوین» صورت گرفت و «بوزان» به عنوان یک نو واقع گرا به شکل بسیار مبسوط تر و مستدل تر، امنیت مضیق را زیر سؤال برد. مکتب کپنهاک برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر می پردازد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) بوزان اعتقاد دارد که خطرانی که ناامنی اجتماعی برای ثبات یک دولت به وجود می آورد جدی تر از تهدیدات خارجی است. (Saleh, ۲۰۱۰: ۲۳۳). به طور کلی، امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آن ها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، نظام های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آن ها مشروعیت می بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبول از رفاه و قدرت دولت. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

تهدیدات امنیت اجتماعی از دیدگاه مکتب کپنهاک:

تهدید اجتماعی به هویت و ارزش های مورد احترام مربوط می شود و طی آن «ما» یی یک هویت توسط هویت دیگر مورد حمله واقع می گردد. این قبیل تهدیدات، در محدوده داخل کشور اتفاق می افتد، اما اخیراً با گسترش فرایند جهانی شدن، تهدیدات اجتماعی معنای بین کشوری و فراملی را دربر گرفته است. (نصری، ۱۳۸۱: ۴۳). در مکتب کپنهاک مسئله اینکه چه موقعی یک تهدید به موضوع امنیت ملی تبدیل می شود، بستگی به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی بودن آن دارد. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت است از مشخص بودن هویت آن، قریب الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمال وقوع آن، میزان عواقب احتمالی آن و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدید می شوند یا خیر. چنانچه از سایر نظرات وضعیت مساوی وجود داشته باشد، هر قدر تهدیدی جدی تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع تر خواهد بود. البته، مسئله موجود این است که همه این متغیرها قابل اندازه گیری نیستند و یا حتی نمی توان آن ها را به دقت برآورد کرد و



اغلب در شرایط پیچیده‌ای رخ می‌دهند که سبک و سنگین کردن آن‌ها را در طیف جدی تهدیدات، بسیار مشکل می‌نماید. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶۰-۱۵۹) از این رو برآوردهایی که از تهدیدات در این بخش تهیه می‌شود باید مبتنی بر نوعی تحلیل بر اساس شاخص‌های ذکر شده باشد.



رایج‌ترین مسائلی که تهدیدی برای امنیت اجتماعی انگاشته شده‌اند از این‌ها قرارند:

۱- مهاجرت: مردم "الف" در اثر سیلی از مردم "ب" به تسخیر آن‌ها درمی‌آیند یا قوام خود را از دست می‌دهند؛ همبود الف دیگر آن چیزی که بیشتر بود نخواهد بود، زیرا جمعیت همبود از غیر از مردم الف هم تشکیل شده است، به دلیل تغییر ترکیب جمعیت، هویت الف هم دستخوش تغییر شده است. برای نمونه مهاجرت چيستی‌ها به تبت یا مهاجرت روس‌ها به استونی.

۲- رقابت افق: هرچند مردم "الف" همچنان در سرجای خود به زندگی مشغول‌اند، ولی به دلیل نفوذ فرهنگی و زبانی کوبنده فرهنگ "ب" که در همسایگی آن‌ها وجود دارد. روش‌های خود را دگرگون می‌سازد؛ مانند هراس کبکی‌ها از انگلیسی زبان کانادا و به‌طور کلی تر هراس کانادا از آمریکایی شدن.

۳- رقابت عمودی: بر اثر اجرای نوعی طرح یکپارچه‌سازی (مانند یوگسلاوی، اتحادیه اروپا) یا نوعی طرح جدایی طلبانه «منطقه گرایانه» (مانند کبک، کاتالونیا، کردستان) که مردم الف را به سمت هویت‌های فراخ‌تر و محدودتر می‌کشاند، آنان دیگر خود را مردم الف نمی‌شناسند. هرچند طرح‌های نوع اول مرکز گرایانه و طرح‌های نوع دوم مرکز گریزانه است. ولی هر دو نمونه از رقابت عمومی هستند به این معنا که بر سر شعاع





دایره‌های هویت یا اینکه بر کدام دایره هویت بیش از دیگری تأکید شود کشمکش وجود دارد، زیرا همواره دایره‌های متحدالمرکز فراوانی از هویت وجود دارد.

این سه نوع تهدید مطرح برای هویت هرچند در نگاه تحلیل از هم جدا هستند ولی در عمل می‌تواند به سهولت در هم آمیزند. همچنین می‌توان آن‌ها را روی طیفی جای داد که در یکسر آن تهدیدهای عمدی، برنامه‌ریزی‌شده و سیاسی وجود دارد و در سر دیگرش تهدیدهای غیرعمدی و ساختاری. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۸۶) به‌عنوان مثال می‌توان به تلاش دولتمردان بحرینی برای تغییر دادن ترکیب جمعیتی آن بعد از انقلاب مردم در قالب بیداری اسلامی (بهار عربی) اشاره کرد.

امنیت اجتماعی ۱ از دیدگاه مکتب کپنهاگ:

یکی از دشواری‌های بحث درباره معنای امنیت اجتماعی مرزهای نامعلوم آن با مفاهیم مشابهی چون: امنیت جمعی^۲، تأمین اجتماعی^۳، امنیت عمومی^۴، امنیت ملی^۵ و امنیت انسانی^۶ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۵۵)

امنیت اجتماعی به معنای «اطمینان خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به تضمین سلامت و هویت خود در قبال مجموعه تحرکات عمدی و تحولات عادی» است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) ناامنی اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که جوامع دارای هر نوع هویتی، با تهدیدی برای بقای خود به‌عنوان یک جامعه روبرو باشند (Waeber, ۲۰۰۸: ۵۸۲).

امنیت اجتماعی با مفاهیم مشابه خود نسبت‌های مختلفی دارد. امنیت اجتماعی دورترین نسبت را با تأمین اجتماعی دارد. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) امنیت اجتماعی همان تأمین اجتماعی^۷ نیست. تأمین اجتماعی ناظر بر افراد است و عمدتاً سرشتی اقتصادی دارد ولی امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت آن‌ها است؛ اما مفهوم امنیت اجتماعی نه به این سطح فردی و پدیده‌های عمدتاً اقتصادی، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و اقدامات اتخاذشده برای دفاع از این‌گونه «هویت ما» ناظر است. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۸۵) متولی تأمین اجتماعی، دولت است، درحالی‌که تمام کوشش مبحث امنیت

۱- برای عبارت Societal security ترجمه‌های مختلفی به زبان فارسی ارائه‌شده است، ازجمله امنیت جامعه‌ای، امنیت جامعه‌ی، امنیت جامعه‌ی و ... در این تحقیق عبارت فوق به امنیت اجتماعی ترجمه‌شده است.

۲- Collective Security

۳- Social Security

۴- Public Security

۵- National Security

۶- Human Security

۷- social Security



اجتماعی این است که سیطره دولت بر حیات گروهی شهروندان را به حداقل برساند و به جای اینکه دولت گروه‌ها را مهندسی و طراحی کند، گروه‌ها جهت‌بخش و الهام‌بخش دولت باشند. وجه مشترک این دو مفهوم تدارک اطمینان خاطر برای آسیب‌دیدگانی است که به واسطه زندگی اجتماعی، سلامت و نیروی خود را از دست داده‌اند. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶). امنیت اجتماعی مؤثرترین و حیاتی‌ترین پیوند را با امنیت ملی یافته است. این پیوند در پاره‌ای وجوه قهری و در بعضی موارد اختیاری بوده است. در تعاریف موسع از امنیت ملی، به‌ویژه در استانداردهای امنیت ملی پایدار، امنیت ملی مدیون انسجام جامعه‌ای و انسجام جامعه‌ای محصول مملکت‌داری یا حکومت خوب^۱ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶). امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی یا واقعی مربوط می‌شود. به‌طور اخص، امنیت اجتماعی به تداوم - البته - در محدوده شرایط قابل قبول برای تحول - الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی ارتباط دارد. این تعریف ارائه هرگونه تعریف عینی برای این که چه زمان برای امنیت اجتماعی تهدیدی به وجود می‌آید را دشوار می‌سازد. امنیت اجتماعی ناظر به اوضاع و شرایطی است که جوامع به لحاظ هویتی تهدیدی را درک و مشاهده می‌نمایند. (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۶۶). در امنیت اجتماعی دولت را به‌عنوان یک دولت و یا یک‌نهاد ارضی نیست، بلکه به‌عنوان یک هویت جمعی محسوب می‌شود. از این دیدگاه، امنیت جامعه ممکن است در قبال هر چیزی که هویت ما را به خطر می‌اندازد، به خطر بیافتد. (Panic, ۲۰۰۹: ۳۱) بر اساس این دیدگاه تهدید نسبت به حکومت‌ها صرفاً خارجی نیست. عوامل اجتماعی و ساختار آن نقش مهمی در زمینه امنیت ملی دارد. از این‌رو اگر دولت نتواند به آشتی دادن رابطه بین خود و جامعه بپردازد، به احتمال زیاد کشمکش و رخ خواهد داد. (Saleh, ۲۰۱۰: ۲۳۶).

امنیت اجتماعی^۲ با امنیت سیاسی که ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام حکمرانی و ایدئولوژی‌های مشروعیت بخش به حکومت‌ها و دولت‌ها است، ارتباط تنگاتنگی دارد ولی متمایز از آن است. مرزهای دولت و مرزهای اجتماعی تنها به‌ندرت بر هم منطبق است. این نخستین انگیزه را برای جدی گرفتن امنیت اجتماعی به دست می‌دهد. انگیزه دیگر این است که حتی در مورد «مردم واحد» هم دولت و جامعه دو چیز متفاوت هستند و هنگامی که موضوع امنیت قرار گیرند، دو منطق متفاوت دارند. جامعه از هویت، یعنی

^۱ - Good Governance

^۲ - Societal Security





برداشتی که همبودها و افراد از خودشان دارند و آن‌ها را به‌عنوان اعضای یک جمع همبسته مشخص می‌سازد، قوام می‌گیرد. این هویت‌ها از سازمان‌های آشکارا سیاسی مرتبط با حکومت متمایز ولی با آن‌ها به هم پیچیده‌اند. زمانی ناامنی اجتماعی وجود دارد که همبودهایی از نوع، تحول یا احتمالی را به‌عنوان تهدیدی برای بقای خودشان به‌عنوان یک همبود تعریف کنند. طبق تعریف، امنیت اجتماعی ناظر بر گروه‌های هویتی بزرگ و بی‌نیاز از خود است، اینکه گروه‌ها در عمل چه هستند بسته به زمان و مکان تفاوت می‌کند. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۳)

نتیجه‌گیری:

امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین نوع امنیت، از عناصر اساسی حیات انسان‌هاست. بدون شک هیچ عنصری برای پیشرفت و توسعه یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست. امنیت دارای دو معنای ایجابی (یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان) و سلبی (یعنی نبود ترس، اجبار و تهدید) می‌باشد. امنیت اجتماعی هم چون سایر پدیده‌ها و امور اجتماعی، دارای گونه‌های مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان از امنیت شغلی، قضایی، سیاسی، اقتصادی و اداری نام برد. امروزه مفهوم امنیت از نظر صوری و ظاهری در اجتماع از معنی فقدان جرائم و آسیب‌ها فراتر رفته و شامل موارد و مصادیقی از نظر روحی، اخلاقی، بهداشتی، اقتصادی و همچنین دربرگیرنده ثبات و نظم واقعی و عقلانی در اجتماع شده است که از آن به امنیت اجتماعی تعبیر می‌شود. لذا می‌توان اظهار داشت که هر چه میزان توسعه‌یافتگی یک جامعه بیشتر باشد، ضریب امنیت اجتماعی نیز افزایش یابد و به‌موازات آن نرخ جرم، جنایت و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد امنیت اجتماعی با گسترش شهرنشینی و بروز آسیب‌های اجتماعی در سطح محلات ازجمله مباحثی است که مدیریت شهری می‌تواند، در جهت تقویت سرمایه‌های اجتماعی شهروندان گام‌هایی مؤثری بردارد. امنیت اجتماعی پاسداری از هویت‌های اجتماعی است؛ بر این اساس جامعه از طریق گسترش فضای اجتماعی و از بین رفتن موانع و محدودیت‌های اجتماعی برای گروه‌های قومی و اجتماعی به دنبال حفظ الگوهای هویتی خواهد بود. مکتب کپنهاک برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می‌دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر





می‌پردازد در مکتب کپنهاگ مسئله اینکه چه موقع یک تهدید به موضوع امنیت ملی تبدیل می‌شود، بستگی به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی بودن آن دارد. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت است از مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمال وقوع آن، میزان عواقب احتمالی آن و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدید می‌شوند یا خیر. چنانچه از سایر نظرات وضعیت مساوی وجود داشته باشد، هر قدر تهدیدی جدی‌تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود بنابراین تمامی فعالیت‌ها و پیشرفتهای بشری در سایه امنیت اجتماعی رخ می‌دهد بحران‌های اجتماعی باعث می‌شوند که امنیت اجتماعی به خطر بیفتد و در پی آن استرس و آسیب‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت.





منابع:

- ۱- اسنایدر، کریگ ای (۱۳۸۴)، «امنیت و استراتژی معاصر»، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۲- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت»، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- ۳- بوزان، باری (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- بوزان، باری؛ الی، ویور؛ دو ویلد، پاپ (۱۳۸۶)، «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- مرادیان، محسن (۱۳۹۱)، «مبانی نظری امنیت»، چاپ دوم، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- ۶- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۷- امیرکبیری، علیرضا (۱۳۷۶)، «مدیریت بحران»، نشریه تدبیر، شماره ۷۸.
- ۸- دلیو پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، «بحران و توالی‌ها در توسعه سیاسی»، مترجم غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- عمید، حسن (۱۳۸۸)، «فرهنگ عمید»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۳)، «نقش اطلاعات در مدیریت بحران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم.
- ۱۱- نصری، قدیر (زمستان ۱۳۸۱)، «مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۳، صص ۳۳-۵۸.
- ۱۲- لرنی. منوچهر، «امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها»، تهران: ناشر: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳.
- ۱۳- متقی. جلال، «امنیت و اقتصاد»، نشریه‌ی امنیت، سال دوم، شماره چهارم، مرداد ۱۳۷۷، ناشر: وزارت کشور- حوزه معاونت امنیتی و انتظامی، تهران
- ۱۴- نصیری. قدیر، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۱، ناشر: مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.



۱۵-- ولی پور زرومی. سید حسین، «درآمدی بر بنیادهای اجتماعی امنیت»،
فصلنامه‌ی راهبرد، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۱، ناشر: مرکز تحقیقات استراتژیک،
تهران

-Saleh, Alam (Winter ۲۰۱۰), "Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security", Geopolitics Quarterly, Volume: ۶, No ۴, p.p ۲۲۸-۲۴۱.

-Panic, Branka (APRIL-JUNE ۲۰۰۹), "Societal security – security and identity", Journal of the Belgrade School of Security Studies, Year ۴ No. ۱۳, p.p ۲۹-۳۹.

-Waever, Ole. (۲۰۰۸) 'The Changing Agenda of Societal Security.' In Globalization and Environmental Challenges, Reconceptualizing Security in the ۲۱st Century, Berlin: Springer Berlin Heidelberg.

-Crandall, William Rick. (۲۰۰۲) Crisis Planning in The Nonprofit Sector Should occur?., London: Ratligh.

-Burnett, J.J. (۱۹۹۸), "A Strategic Approach to Mana?", London: Ratligh.

